

تحلیل استنادی مقالات فلسفی فارسی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۷^۱

مه‌لقا اشتری^۲

تاریخ دریافت: ۷۹/۱۱/۱۸

چکیده: این پژوهش با روش تحلیل استنادی، مآخذ مقالات فلسفی فارسی را مورد بررسی قرار داده است. از ۲۹۹ عنوان مقاله ۴۴۶۰ استناد استخراج شد. تعداد متوسط استنادها در هر مقاله ۱۵ استناد است. بالاترین میزان استناد مربوط به کتاب (۹۳/۳۸ درصد) بوده است. ۳۴/۴۴ درصد از استنادها به زبان عربی است. توزیع جغرافیایی استنادها نشان داد، ایران با ۴۶/۹۶ درصد در رتبه اول قرار دارد. قانون برادفورد در خصوص نشریات ادواری مورد استناد انجام شد و پراسامدترین منابع مشخص گردید.

کلیدواژه‌ها: تحلیل استنادی، مقاله‌های فلسفی فارسی، مآخذ، استناد، قانون برادفورد

مقدمه

بی‌شک یکی از سیال‌ترین و در عین حال عمیق‌ترین ساخت وجود آدمی گستره اندیشه اوست. آدمی در پهنه اندیشه، تحول می‌یابد و در وسعت اندیشه، به گلشن یا هیمه گلخن مبدل می‌شود، چراکه بنیاد او همان اندیشه است. اندیشه و تفکر پویایی است بی‌مانند که آدمی را در سیلان هستی صیقل می‌دهد و او را به دنیای معرفت و حقیقت رهنمون می‌کند. در واقع "انسان با نیروی اندیشه یافته‌های ذهنی خویش را ارتباط و انتظام می‌بخشد و در نتیجه به معرفتی نایل می‌شود که مخصوص خود اوست، معرفت فلسفه در صد درک عالی‌ترین حد ارتباط است و

۱. برگرفته از: مه‌لقا اشتری، "تحلیل استنادی مقالات فلسفی فارسی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۷"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی.

۲. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

طبعاً دستاورد و ارسته‌ترین و ورزیده‌ترین ذهن‌های بشری است (یشربی، ۱۳۷۱، ص ۱۱) به طوری که می‌توان به یقین بیان داشت که فلسفه در کلیه حوزه‌های علمی نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ از جمله در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، زیرا "کتابداری و همه اصول و فروع آن، هر چند معتبر و مبتنی بر راه‌برد علمی است، تا زمانی که بر پایه فلسفه‌ای استوار نشود که هدف و مقصود هر حرکتش را توجیه کند، بی‌معنا خواهد بود (موکهرجی، ۱۳۷۵، ص ۱۵).

از آنجا که تفکر فلسفی در عصر کنونی یعنی عصر اطلاعات و ارتباطات و به عبارتی دیگر عصر دانش و خرد جهانی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و به طوری که "محور عالم کنونی فلسفه است، فهم این عالم و آنچه در آن می‌گذرد، بدون رجوع به فلسفه میسر نیست" (داوری، ۱۳۷۴، ص ۹). بر این اساس پژوهش حاضر با علم به اینکه توجه به مباحث فلسفی در سال‌های اخیر در کشور فراوان بوده، به تحلیل استنادی مقالات فلسفی فارسی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۷ پرداخته است.

جهت مطالعه استنادی مقالات فلسفی، ابتدا موضوع هر یک از مقالات فلسفی با توجه به سه رشته تحصیلی فلسفه اسلامی، فلسفه غرب و فلسفه تطبیقی که در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شوند، مشخص گردید. بدین ترتیب مآخذ هر یک از مقالات در زمینه‌های موضوعی فلسفه اسلامی، فلسفه غرب و فلسفه تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است.

بیان مسئله

تعمق در آثار دیگران و استفاده از اندیشه‌های پویا و ارتباط آنها با قلمرو فکری خود به گونه‌ای که جنبه‌های مختلف آن را بهتر و دقیق‌تر تحلیل کنیم و از این طریق نسبت به میراث فکری خود غنی‌تر و عمیق‌تر ببانندیشیم، از جمله وظایفی است که هر محقق باید نسبت به انجام آن اهتمام ورزد، زیرا جهان یک کل است که دانشمندان هر یک مسئولیت جزئی از آنرا بر عهده دارند و از ترکیب این اجزاء سیمای کلی علم در هر دوره تاریخی ترسیم می‌شود. در واقع محققان حوزه‌های علمی، گره‌های شبکه جهانی علم هستند که هر یک موضوع و جایگاه ویژه‌ای را در این شبکه به خود اختصاص می‌دهند. تعداد پیوندهایی که هر دانشمند با دیگر دانشمندان آن شبکه برقرار می‌کند یا دیگران با او برقرار می‌کنند، تجلی میزان اتصال او به شبکه جهانی و به بیان دیگر، میزان مشارکت او در علم جهانی است. این پیوند امروزه از طریق استفاده از آثار مکتوب دیگران در هر اثر علمی ارزیابی می‌شود (حری، ۱۳۷۶، ص ۱۱). با توجه به نکات ذکر شده، مسئله مورد مطالعه در این پژوهش، بررسی منابع مورد استناد نویسندگان مقالات فلسفی فارسی با استفاده از روش تحلیل استنادی است. نگارنده سعی کرده است که با استفاده از این روش کلیه استنادهای مقالات فلسفی فارسی تألیفی مندرج در مجلات فلسفی طی سال‌های

۱۳۷۰-۱۳۷۷ را مورد بررسی قرار دهد. تا با تعیین نوع استناد، زبان به کار رفته در استناد، محل نشر استناد و غیره، معلوم شود اهتمام نویسندگان مقالات در استفاده از منابع اطلاعاتی تولید شده در زمینه‌های موضوعی فلسفی در سطح ملی و بین‌المللی تا چه حد است.

اهمیت پژوهش

بررسی منابع و مآخذ مقالات به‌عنوان یکی از سرمایه‌های علمی و فکری مراکز پژوهشی امری درخور توجه است. به عبارت دیگر بررسی الگوهای استنادی ابزار علمی و مهمی جهت تهیه منابع و متون تخصصی هر رشته از علوم است (بوچانان^۱ و هروبل^۲، ۱۹۹۳، ص ۶۳). لذا مطالعات تجزیه و تحلیل استنادهای مقالات نشریات به دلیل کاربردهای مهم آن از اهمیت کافی برخوردار است. فهرست‌های حاصل از این نوع بررسی‌ها می‌توانند در بسیاری از کتابخانه‌ها مبنایی برای گزینش باشند. نتایج و یافته‌های چنین مطالعاتی از سوی دیگر منعکس‌کننده الگوهای رفتاری استفاده از منابع توسط پژوهندگان است، و این مهم را نیز آشکار می‌کند که چه نظامی بر جریان مبادله اطلاعات در حوزه معرفتی فلسفه حاکم است و رایج‌ترین وسیله مبادله اطلاعات در این حوزه مشخص می‌گردد.

محدودیت‌های پژوهش

۱. کامل نبودن اطلاعات کتابشناختی تعدادی از مآخذ مورد مطالعه
۲. بروز اشکال در تشخیص نوع زبان و محل نشر در برخی از استنادها

تعریف عملیاتی اجزاء مسئله

مجلات فلسفی: آن دسته از مجلاتی که در نمایه موضوعی نشریه "راهنمای مجله‌ها و روزنامه‌های ایران" بعنوان مجلات فلسفی معرفی شده‌اند.

مقالات: در این پژوهش به مقالاتی که در حوزه فلسفی تدوین شده، و در مجلات فلسفی معرفی شده در نشریه راهنمای مجله‌ها و روزنامه‌های ایران چاپ شده اطلاق می‌شود.

تحلیل استنادی: یکی از روش‌های کمی است که به ارزیابی متون علمی براساس شمارش استنادهای تعلق گرفته به آن متون می‌پردازد، در هر اثر مکتوبی (متن) ممکن است بنا به دلایل متفاوتی به تجارب، سخنان و یا نوشته‌های پیشین (مآخذ) اشاره شود، که اصطلاحاً استناد خوانده می‌شود (حری، ۱۳۶۲، ص ۱۲).

هدف‌های پژوهش

هدف کلی: تحلیل استنادی مقالات فلسفی فارسی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۷.

اهداف جزئی:

۱. تعیین تعداد مقالات منتشر شده در سال‌های مورد پژوهش به تفکیک موضوع
۲. تعیین میانگین تعداد منابع استناد شده در هر مقاله.
۳. تعیین وضعیت زبانی استنادها.
۴. تعیین مجلات هسته مورد استناد.
۵. ارائه سیاهه درجه‌بندی شده از عناوین نشریاتی که بیشترین استناد را دارند.

سئوالات پژوهش

۱. تعداد مقالات منتشر شده در محدوده زمانی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۷ در سه موضوع فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، و فلسفه تطبیقی چقدر است؟
۲. میانگین تعداد استنادها در مقاله به تفکیک موضوعی چقدر است؟
۳. میزان استناد به انواع منابع چگونه است؟
۴. توزیع استنادهای مقالات مورد بررسی از نظر زبان چگونه است؟
۵. توزیع استنادهای مقالات مورد بررسی از نظر تألیف و ترجمه چگونه است؟
۶. توزیع جغرافیایی محل نشر منابع استناد شده، متعلق به کدام کشور است؟
۷. در استنادها، مجلات هسته براساس الگوی برادفورد کدامند؟
۸. پربسامدترین منابع مورد استناد در مقالات مورد بررسی کدامند؟

متغیرهای اساسی پژوهش

- متغیر مستقل: مقالات فلسفی فارسی

- متغیر وابسته: استنادهای مقالات مورد بررسی

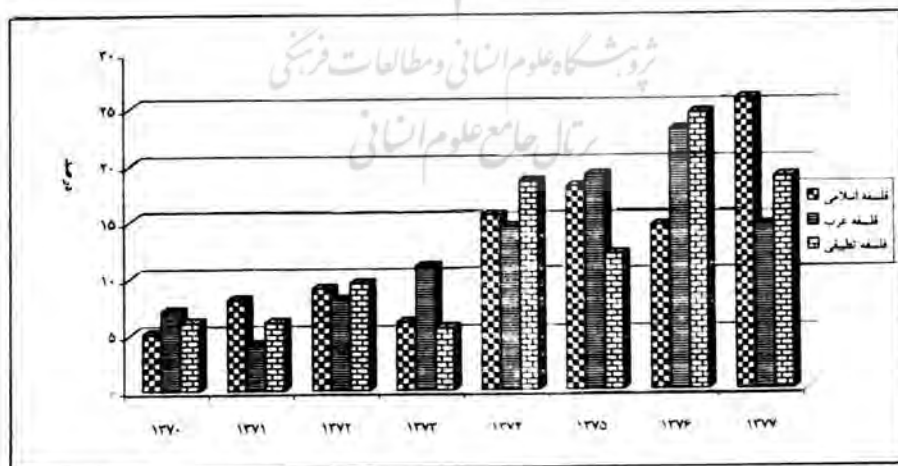
روش انجام پژوهش و جامعه مورد مطالعه

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل استنادی صورت گرفته است. شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مشاهده مقالات بوده است. ابتدا مشخصات کتابشناختی مقالات و تعداد کلی استنادها در هر مقاله به تفکیک سال نشر مقاله، روی برگه نوشته شد و سپس مشخصات استنادها براساس نوع منبع، عنوان، نویسنده، زبان، و محل نشر در برگه‌های

جداگانه یادداشت گردید. مآخذ مقالاتی که در حوزه فلسفی تدوین شده و در مجلات: ارغنون، خردنامه صدرا، دانشگاه انقلاب، فرهنگ، قیاسات، کیهان اندیشه، کیهان فرهنگی، معارف، معرفت، مقالات و بررسی‌ها، نامه فلسفه، نامه مفید و نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد درج شده‌اند؛ در حوزه انجام این پژوهش قرار گرفته که کلیه مجلات ذکر شده در نشریه "راهنمای مجله‌ها و روزنامه‌های ایران" به عنوان مجلات فلسفی معرفی شده‌اند. لذا جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مآخذ مقالات تألیفی تدوین یافته در حوزه فلسفی مندرج در مجلات فلسفی در فاصله زمانی ۱۳۷۰-۱۳۷۷ است، بنابراین تعداد ۴۴۶۰ استناد از ۲۹۹ مقاله مورد بررسی قرار گرفت و کلیه استنادها^۱ در تمام مراحل تحقیق در نظر گرفته شده و در مواردی که نوع، زبان و محل نشر استناد مشخص نشده بود با عنوان نامشخص ذکر شده است.

روش تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آماری مانند دسته‌بندی داده‌ها بر حسب توزیع فراوانی، تعیین درصد میانگین در جداولی تنظیم گردید. جهت آزمون‌نهایی و اطمینان از صحت داده از لحاظ درصد و میانگین از نرم‌افزار Spss و برای ترسیم نمودارها از نرم‌افزار Word97 استفاده شده است.



نمودار ۱. درصد فراوانی مقالات در سه موضوع فلسفه اسلامی، فلسفه غرب و فلسفه تطبیقی در

هر سال (۱۳۷۰-۱۳۷۷)

۱. در استنادها، ترجمه متون خارجی به زبان فارسی نوع استفاده از منابع خارجی به شمار آمده است.

تعداد مقاله‌های مورد مطالعه

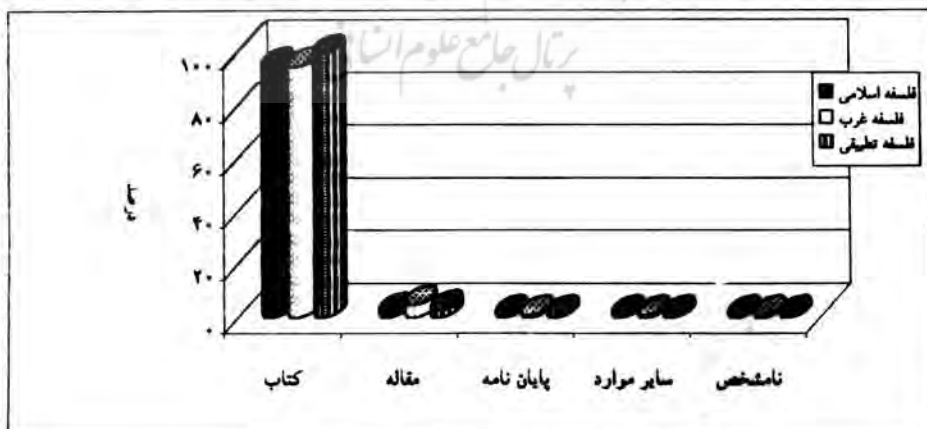
نمودار ۱ تعداد مقالات در سال‌های مورد پژوهش را این‌گونه نشان می‌دهد که کمترین تعداد مقاله مربوط به سال‌های ۱۳۷۰ با ۵/۶۸ درصد و سال ۱۳۷۱ با ۶/۰۲ درصد است. بیشترین تعداد نشر مقاله مربوط به سال‌های ۱۳۷۵ با ۱۷/۳۹ درصد، ۱۳۷۶ با ۱۸/۰۶ درصد و ۱۳۷۷ با ۲۱/۰۷ درصد است. در واقع در سال‌های (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷) تألیف مقالات در حوزه فلسفی روبه‌رشد بوده، و این به دلیل اقبال فراوان به مباحث فلسفی در این سال‌هاست.

جدول ۱. توزیع فراوانی مقالات و متوسط استنادها در هر مقاله به تفکیک موضوع

موضوع	فلسفه اسلامی	فلسفه غرب	فلسفه تطبیقی	جمع
تعداد مقاله	۱۶۸	۹۸	۳۳	۲۹۹
تعداد استناد	۲۹۲۸	۱۱۰۸	۴۲۴	۴۴۶۰
متوسط استناد در هر مقاله	۱۷	۱۱	۱۳	۱۵*

مشخصات کلی استنادها

جدول ۲ در پاسخ به سؤال دوم پژوهش گویای این مطلب است که ۲۹۹ مقاله دارای ۴۴۶۰ استناد است که به‌طور متوسط برای هر مقاله ۱۵ استناد وجود دارد. بیشترین تعداد استنادها در مقالات مربوط به فلسفه اسلامی است که تقریباً به‌طور متوسط ۱۷ استناد در هر مقاله و کمترین تعداد استناد در مقالات مربوط به فلسفه غرب است که تقریباً ۱۱ استناد در هر مقاله است.



نمودار ۲. درصد فراوانی استنادها براساس نوع منبع

* عدد ۱۵ متوسط استنادها در کل مقالات است و به لحاظ ریاضی لزومی ندارد به عدد ۴۱+۱۷+۱۱+۱۳ ختم می‌شود.

نمودار ۲ در پاسخ به سؤال سوم پژوهش نشان‌دهنده این واقعیت است که کتاب در هر سه موضوع با ۹۳/۳۸ درصد استناد، بالاترین درصد را داشته است، به طوری که در موضوع فلسفه اسلامی با ۹۴/۴۰ درصد، در موضوع فلسفه غرب با ۹۰/۰۷ درصد و در موضوع فلسفه تطبیقی با ۹۵/۰۴ درصد نقش اساسی در تألیف مقالات داشته است. در حالی که به مقالات نشریات ادواری در موضوع فلسفه اسلامی فقط ۴/۶۷ درصد، در موضوع فلسفه غرب ۹/۶۵ درصد و در موضوع فلسفه تطبیقی ۴/۷۳ درصد استناد شده است. پایان‌نامه تنها ۰/۱۳ درصد آن هم در موضوع فلسفه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. سایر موارد ۰/۳۸ درصد مورد استناد قرار گرفته‌اند.

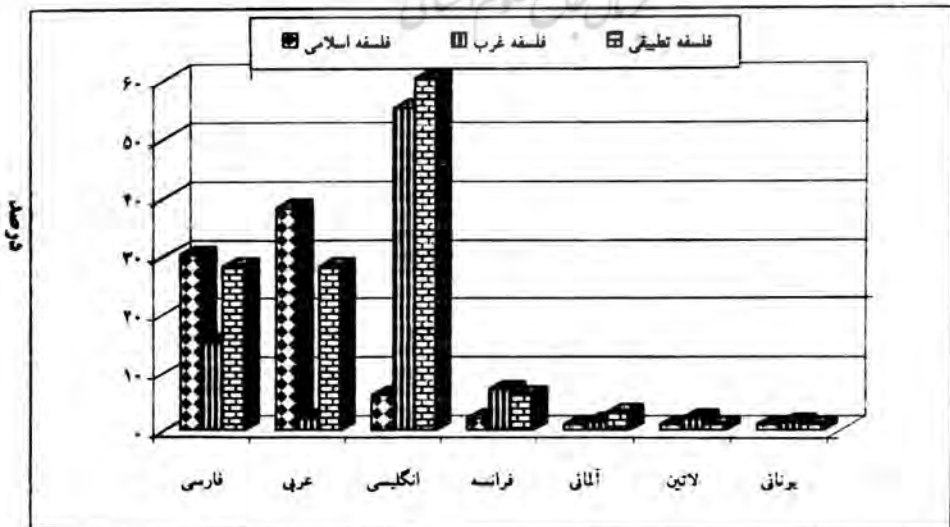
بررسی زبان استنادها

بررسی زبان استنادها در ارتباط با سؤال چهارم پژوهش و در سه قسمت مختلف ارائه شده است:

الف. بررسی زبان استنادها به تفکیک موضوعی

ب. بررسی زبان استنادها از نظر نوع منبع اطلاعاتی

بررسی زبان استنادها به تفکیک موضوعی در نمودار ۳ در ارتباط با سؤال چهارم پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین منابع مورد استناد یا ۳۴/۴۴ درصد به زبان عربی بوده و بعد از آن با ۳۱/۰۳ درصد به زبان فارسی و با ۲۶/۱۸ درصد به زبان انگلیسی استناد شده است. منابع به زبان‌های فرانسوی و آلمانی بسیار کم استفاده شده است.



نمودار ۳. درصد فراوانی استنادها براساس زبان

بررسی زبان استنادها از لحاظ نوع منبع اطلاعاتی

جدول ۲. نوع منابع و زبان آنها را اینگونه نشان می‌دهد: کتاب به زبان عربی ۳۶/۴۷ درصد، به زبان فارسی ۲۸/۵۸ درصد، به زبان انگلیسی ۲۶/۶۲ درصد، به زبان فرانسوی ۴/۳۹ درصد، به زبان آلمانی ۱/۵۶ درصد، به زبان لاتین ۱/۲۲ درصد، و به زبان یونانی ۰/۹۶ درصد مورد استناد قرار گرفته است. به مقاله نشریه ادواری فارسی زبان ۶۵/۵۱ درصد، انگلیسی زبان ۳۲/۱۹ درصد، عربی زبان و فرانسوی زبان هر یک ۱/۱۳ درصد و آلمانی زبان ۰/۳۷ درصد استناد شده است. پایان‌نامه، سایر موارد و منابع نامشخص درصد اندکی از استنادها را شامل می‌شوند.

جدول ۲. توزیع فراوانی استنادها براساس زبان و نوع منبع

زبان	نوع منبع		کتاب		مقاله		پایان‌نامه		سایر موارد		نامشخص		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
فارسی	۱۱۹۱	۲۸/۵۸	۱۷۲	۶۵/۱۵	—	—	—	—	۱۷	۱۰۰	۴	۴۰	۱۳۸۴	۳۱/۰۳
عربی	۱۵۲۷	۳۶/۶۷	۳	۱/۱۳	۴	۱۰۰	—	—	—	—	۲	۲۰	۱۵۳۵	۳۴/۴۱
انگلیسی	۱۱۰۹	۲۶/۶۲	۸۵	۳۲/۱۹	—	—	—	—	—	—	۳	۳۰	۱۱۹۷	۳۶/۸۳
فرانسه	۱۸۳	۴/۳۹	۳	۱/۱۳	—	—	—	—	—	—	۱	۱۰	۱۸۷	۴/۱۹
آلمانی	۶۵	۱/۵۶	۱	۰/۳۷	—	—	—	—	—	—	—	—	۶۷	۱/۵۰
لاتین	۵۰	۱/۲۲	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	۵۰	۱/۱۵
جمع	۴۱۶۵	۱۰۰	۲۶۴	۱۰۰	۴	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۷	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۴۴۶۰	۱۰۰

وضعیت استنادها از لحاظ تألیف و ترجمه

در پاسخ به پرسش پنجم پژوهش مبنی بر وضعیت استنادها از نظر تألیف و ترجمه جدول ۳ تنظیم شده است. از مجموع ۴۴۶۰ استناد در پژوهش حاضر، ۷۲/۵۲ درصد منابع مورد استناد تألیفی، و ۲۷/۲۶ درصد منابع ترجمه‌ای بوده است. در واقع اکثر استنادهای مکتوب به صورت تألیف است.

جدول ۳. توزیع فراوانی استنادها براساس تألیف و ترجمه

وضعیت تألیف و ترجمه مورد استناد	تعداد	درصد
تألیف	۳۲۳۴	۷۲/۵
ترجمه	۱۲۱۶	۲۷/۲۶
نامشخص	۱۰	۰/۲۲
جمع	۴۴۶۰	۱۰۰

جدول ۴. توزیع فراوانی استنادها براساس نوع مورد استناد و کشور محل نشر آنها

نوع منبع	کتاب		مقاله		پایان نامه		سایر موارد		نامشخص*		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
ایران	۱۸۹۷	۳۵/۵۲	۱۷۲	۶۵/۱۵	۴	۱۰۰	۱۷	۱۰۰			۴۶/۹۶
انگلستان	۶۶۶	۱۵/۹۹	۴۶	۱۷/۴۲	-	-	-	-			۱۶
امریکا	۴۴۹	۱۰/۷۸	۳۰	۱۱/۳۶	-	-	-	-			۱۰/۷۶
لبنان	۲۹۹	۷/۱۷	-	-	-	-	-	-			۶/۷۱
مصر	۲۷۸	۶/۶۷	-	-	-	-	-	-			۶/۲۴
فرانسه	۱۸۷	۴/۴۸	۳	۱/۱۷	-	-	-	-			۴/۲۶
آلمان	۶۷	۱/۶۰	۱	۰/۳۷	-	-	-	-			۱/۵۲
هلند	۴۱	۰/۹۸	۱۱	۴/۱۶	-	-	-	-			۱/۱۶
هند	۲۹	۰/۶۹	-	-	-	-	-	-			۰/۶۵
کانادا	۲۰	۰/۴۸	-	-	-	-	-	-			۰/۴۴
ترکیه	۱۳	۰/۳۱	-	-	-	-	-	-			۰/۲۹
بغداد	۱۲	۰/۲۸	۱	۰/۳۷	-	-	-	-			۰/۲۹
سوریه	۵	۰/۱۲	-	-	-	-	-	-			۰/۱۱
الجزایر	۵	۰/۱۲	-	-	-	-	-	-			۰/۱۱
کویت	۳	۰/۰۷	-	-	-	-	-	-			۰/۰۶
اردن	۳	۰/۰۷	-	-	-	-	-	-			۰/۰۶
عربستان سعودی	۱	۰/۰۹	-	-	-	-	-	-			۰/۰۲
نامشخص	۱۹۰	۴/۵۶	-	-	-	-	-	-			۴/۲۶
جمع	۴۱۶۵	۱۰۰	۲۶۴	۱۰۰	۴	۱۰۰	۱۷	۱۰۰			۴۴۵۰

توزیع جغرافیایی استنادها

جدول ۴ در ارتباط با سؤال ششم پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین تعداد منابع مورد استناد (۴۶/۹۶ درصد) به ایران تعلق یافته است.

مجلات هسته مورد استناد براساس قانون برادفورد

اینک با توجه به قانون برادفورد پرسش هفتم پژوهش پاسخ داده می‌شود. این قانون دو دسته مجلات را مورد بررسی قرار می‌دهد. گروه اول یا مجلات هسته که بالاترین استفاده را دارند، گروه دوم یا مجلات ماوراء هسته که تعداد مقالات و میزان استفاده از آنها از نشریات هسته کمتر است. (هویدا، ۱۳۷۸، ص ۳۱۹-۳۲۲).

* در حین انجام پژوهش، همانطور که در جداول صفحات قبل مشاهده می‌شود، با وجود تلاش بسیار، اطلاعات کتابشناختی کامل ۱۰ منبع، احراز نشده، لذا در این جدول محل نشر آنها نیز مبهم مانده و در جزو اطلاعات این جدول نیامده‌اند. براین اساس جمع استناد در این جدول ۴۴۵۰ است.

با توجه به محاسبات انجام شده در جدول ۵ و نمودار ۴ مشخص شد که ۲ مجله هسته و ۷ مجله ماوراء هسته، جمعاً ۹ عنوان مجله با ۹۹ استناد در موضوع فلسفه اسلامی به شرح ذیل بیشترین استنادها را داشته‌اند:

در منطقه اول (هسته) ۲ عنوان با ۵۰ بار استناد (۳۶/۴۹ درصد) که عنوان‌ها و میزان استناد به هر یک عبارتند از:

۱. خردنامه صدرا با ۳۶ بار استناد

۲. نامه مفید با ۱۴ بار استناد

در منطقه دوم (ماوراء هسته) ۷ عنوان مجله با ۴۹ بار استناد (۳۵/۷۶ درصد) که عنوان‌ها و میزان استناد به هر یک عبارتند از:

۳. کیهان اندیشه^۱ با ۱۲ بار استناد

۴. کیهان فرهنگی با ۹ بار استناد

۵. فرهنگ با ۸ بار استناد

۶. آینه پژوهش با ۵ بار استناد

۷. راهنمای کتاب^۲ با ۵ بار استناد

۸. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز با ۵ بار استناد

۹. نشر دانش با ۵ بار استناد



نمودار ۴. نمودار برادفوردر در موضوع فلسفه اسلامی

۱. آخرین شماره آن بهار ۱۳۷۸ منتشر شد، و دیگر منتشر نمی‌شود.

۲. قبل از انقلاب اسلامی منتشر می‌شد.

جدول ۵. محاسبه ضریب براد فورد جهت یافتن مجلات هسته با توجه به بسامد استناد به آنها در موضوع فلسفه اسلامی

تعداد عناوین مجلات J	تعداد استنادها A	تعداد کل استنادها J.A	فراوانی کمپوز عناوین cf _J	فراوانی کمپوز تعداد استنادها cf _{J.A}	لگاریتم فراوانی کمپوز عناوین پایه e	تعداد دستجات برای کل تعداد K	مماسه تعداد استنادها	تعداد استنادها از ناوین مجلات در مناطق A	ضریب براد فورد bk
۱	۳۶	۳۶	۱	۳۶	۰	J ₁ =۲	۱×۳۶=۳۶	۵۰	0
۱	۱۴	۱۴	۲	۵۰	۰/۶۹	J ₂ =۷	۱×۱۴=۱۴	۴۹	$\frac{7}{2} = 3/5$
۱	۱۲	۱۲	۳	۶۲	۱/۰۹		۱×۱۲=۱۲		
۱	۹	۹	۴	۷۱	۱/۳۹		۱×۹=۹		
۱	۸	۸	۵	۷۹	۱/۶۱		۱×۸=۸		
۴	۵	۲۰	۹	۹۹	۲/۲۰		۴×۵=۲۰		
۲	۴	۸	۱۱	۱۰۷	۲/۴۰	J ₃ =۲۲	۲×۴=۸	۳۸	$\frac{22}{7} = 3/14$
۲	۳	۶	۱۳	۱۱۳	۲/۵۶		۲×۳=۶		
۶	۲	۱۲	۱۹	۱۲۵	۲/۹۴		۶×۲=۱۲		
۱۲	۱	۱۲	۳۱	۱۳۷	۳/۱۲۷		۱۲×۱=۱۲		
$\sum J=۳۱$		$\sum J.A=۱۳۷$				$\sum J=۳۱$	$h = \frac{\sum h_k}{k} = \frac{0+3/5+3/14}{3} = 2/21$		$\sum bk=6/64$

شیراز: گاه علم سانس و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پریسامدترین منابع مورد استناد^۱

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود کتاب الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه تألیف ملاصدرا با ۱۲۷ بار استناد و مجموعه مصنفات شیخ اشراق تألیف سهروردی با ۷۷ بار استناد و الشفاء تألیف ابن سینا با ۶۵ بار استناد پر استنادترین کتاب‌ها بوده‌اند.

جدول ۶. عناوین کتاب‌هایی که ۵ بار یا بیشتر مورد استناد قرار گرفته‌اند

ردیف	عنوان	نام مؤلف	تعداد استناد
۱	الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه	صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم	۱۲۷
۲	مجموعه مصنفات شیخ اشراق	سهروردی، یحیی بن حبش	۷۷
۳	الشفاء	ابن سینا، حسین بن عبدالله	۶۵
۴	شرح المنظومه	سبزواری، هادی بن مهدی	۶۳
۵	نهایه الحکمه	طباطبایی، محمدحسین	۵۷
۶	الاشارات و التنبیها	ابن سینا، حسین بن عبدالله	۵۱
۷	شرح مبسوط منظومه	مطهری، مرتضی	۴۴
۸	اصول فلسفه و روش رئالیسم	طباطبایی، محمدحسین	۴۳
۹	قرآن		۴۳
۱۰	آموزش فلسفه	مصباح یزدی، محمدتقی	۴۰
۱۱	الشواهد الربوبیه	صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم	۳۸
۱۲	المشاعر	صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم	۳۷
۱۳	تعلیمه بر نهایه الحکمه	مصباح یزدی، محمدتقی	۳۵
۱۴	تاریخ فلسفه	کاپلسون، فردریک	۳۳
۱۵	النجاه	ابن سینا، حسین بن عبدالله	۳۰
۱۶	شرح المواقف	الجرجانی، علی بن محمد	۲۷
۱۷	شرح الاشارات	نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد	۲۶
۱۸	المباحث المشرقیه	فخررازی، محمدبن عمر	۲۵
۱۹	کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد	علامه حلی، حسن بن یوسف	۲۴
۲۰	شرح المقاصد	تفتازانی، مسعودبن عمر	۲۴

بحث و نتیجه‌گیری

در ارتباط با سؤال اول پژوهش در نمودار ۱. نشان داده شد که تألیف مقالات فلسفی در سال‌های اخیر خصوصاً سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ رویه رشد بوده است و این ناشی از توجه خاص قشر فرهنگی به مباحث فلسفی است. از بررسی ۴۴۶۰ استناد در ۲۹۹ عنوان مقاله فلسفی و در

۱. کتاب‌هایی که ۵ بار یا بیشتر مورد استناد واقع شده‌اند، در نظر گرفته شده است، لذا در این جدول به منظور جلوگیری از حجم تنها ۱ صفحه از این جدول ارائه گردیده است.

ارتباط با سؤال دوم پژوهش مشخص شد که تعداد متوسط استنادها در هر مقاله ۱۵ استناد بوده که بیشترین استناد مربوط به موضوع فلسفه اسلامی ۲۹۲۸، و کمترین استناد مربوط به فلسفه تطبیقی ۴۲۴ بوده است.

در ارتباط با سؤال سوم پژوهش، تجزیه و تحلیل استنادها از لحاظ نوع منبع اطلاعاتی در نمودار ۲. نشان داد که کتاب به عنوان یکی از بنیادی‌ترین منابع اطلاعاتی در عصر رسانه‌های الکترونیکی هم چنان در صدر می‌نشیند، البته این ناشی از روندی است که در کلیه حوزه‌های معرفتی علوم انسانی وجود دارد، در حالی که مقالات نشریات ادواری تنها ۵/۹ درصد از استنادها را به خود اختصاص داده‌اند. در شرایطی به این نتایج می‌رسیم که در سال‌های اخیر نه تنها شاهد نشر مقالات مفید و برجسته‌ای به زبان فارسی بوده‌ایم، بلکه شاهد نشر بیش از ۱۲۰۰ عنوان نشریه ادواری در موضوعات فلسفی به زبان‌های گوناگون (انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، عربی و جز آن) نیز بوده‌ایم (فتحی‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۳). که از این میان تنها مقالات ۲ عنوان مجله عربی در فلسفه اسلامی، ۱۳ عنوان مجله لاتین در فلسفه غرب و ۲ عنوان مجله لاتین در فلسفه تطبیقی مورد استناد قرار گرفته‌اند. پایان‌نامه‌ها از جمله منابع اطلاعاتی هستند که نقش فرهنگی و کاربردی آنها در کمک به محققان و متخصصان رشته‌های مختلف کاملاً مشهود است. ولی در این پژوهش بسیار اندک و آنهم در موضوع فلسفه اسلامی با ۴ بار استناد مورد توجه قرار گرفته‌اند که علت این امر شاید ناشی از عدم اطلاع و یا کیفیت کار پژوهشی بوده باشد. سایر اشکال منابع اطلاعاتی سهم بسیار اندک (۰/۶۹ درصد) در تألیف مقالات داشته‌اند. منابع اطلاعاتی مانند: سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، میزگردها، گزارش‌ها، خبرنامه‌ها، مقالات ارائه شده در همایش‌ها و جز آن که در سطح ملی و جهانی به نحو گسترده‌ای در سال‌های اخیر مورد توجه بوده‌اند، اصلاً مورد استفاده قرار نگرفته است. این در شرایطی است که مباحث فلسفی خصوصاً فلسفه اسلامی بعد از انقلاب اسلامی بیش از گذشته در سطح جهان مطرح گردیده است.

بررسی زبان استنادها در نمودار ۳. در ارتباط با سؤال چهارم پژوهش نشان داد که بیشترین منابع مورد استناد با ۳۴/۴۴ درصد به زبان عربی بوده و بعد از آن با ۳۱/۰۳ درصد استناد به زبان فارسی، و با ۲۶/۱۸ درصد به زبان انگلیسی استناد شده است. زبان عربی، زبان وحی و قرآن است. تیاکان ما به زبان عربی نیاز داشته و به آن حرمت می‌نهادند، چنان‌که اکنون نیز ما به آن نیاز داریم و احترام می‌گذاریم. بر این اساس اکثر تألیفات عالمان ما به زبان عربی است. بنابراین گرایش و استفاده از این زبان امری حیاتی و ضروری است. اما سخن اینجاست که نویسندگان مقالات توجه کافی و در خور به سایر منابع در سطحی گسترده‌تر نکرده‌اند.

در ارتباط با سؤال پنجم پژوهش، نتایج حاصل از بررسی وضعیت استنادها از نظر تألیف و

ترجمه مشخص کرد که سهم منابع تألیفی ۷۲/۵۲ درصد است که استفاده از منابع تألیفی به زبان فارسی بیش از سایر زبان‌هاست و بعد از آن به ترتیب زبان عربی و انگلیسی قرار دارند که از این میان استناد به منابع انگلیسی در ترجمه کتاب ۴۴/۳۱ درصد، و در ترجمه مقاله ۵۲ درصد بیش از تألیف بوده است.

جدول ۴. در ارتباط با سؤال ششم پژوهش نشان داد که بیشترین تعداد منابع مورد استناد (۴۶/۹۶ درصد) به ایران تعلق یافته است. البته نویسندگان هر کشوری بیشترین استناد کننده به منابع خودشان هستند و درصد بالای منابع جغرافیایی استنادها در ایران نیز مصداق همین امر است. در زمینه دوم و سوم به ترتیب انگلستان با ۱۶ درصد و امریکا با ۱۰/۷۶ درصد قرار دارند. سهم کشورهای عربی جمعاً ۱۳/۸۹ درصد است.

نتایج حاصل از قانون برادفورد به تفکیک موضوعی در ارتباط با سؤال هفتم پژوهش ۲ عنوان مجله هسته و ۷ عنوان ماوراء هسته را در دو موضوع فلسفه اسلامی و فلسفه غرب از جمله پر استنادترین مجلاتند. ولی نظر به اینکه تعداد عناوین مجلات مورد استناد در فلسفه تطبیقی کم بود، لذا قانون برادفورد آزمایش نشد. در پاسخ به سؤال هشتم مشخص شد که اسفارالاربعه تألیف ملاصدرا پربسامدترین کتاب بوده است. یکی از اهداف این پژوهش ارائه سیاهه‌ای از نشریاتی که بیشترین استنادها را شامل می‌شوند است. نتایج پژوهش بیانگر این واقعیت است که نشریات کمترین استناد را به خود اختصاص داده‌اند.

پیشنهادها

۱. نتایج به دست آمده نشان داده است که کتاب مهم‌ترین منبع مورد استناد بوده و به سایر منابع اطلاعاتی بسیار اندک توجه شده است، لذا شایسته است که علل عدم استفاده از سایر منابع مورد بررسی قرار گیرد.
۲. کتابداران کتابخانه‌هایی که در حوزه فلسفی فعالیت می‌کنند، سعی کنند انواع منابع اطلاعاتی را در سطح وسیع و در اسرع وقت در اختیار پژوهشگران قرار دهند. البته این امر در صورتی امکان‌پذیر است که پژوهشگران تمایل کافی در این زمینه نشان دهند و در جهت دستیابی به این نوع منابع مراکز ذیربط را یاری رسانند.
۳. مراکز اطلاع‌رسانی با اولویت بخشیدن به منابع اطلاعاتی و تخصیص اعتبارات لازم برای تهیه آنها نیازهای مطالعاتی در زمینه فلسفی را برطرف سازند.
۴. برای سفارش نشریات لازم است که بدو پژوهش‌های استنادی هر چند وقت یکبار انجام گیرد.
۵. برای خرید منابع توجه بیشتر به تهیه منابع خارجی شود.

۶. پیشنهاد می‌شود به منظور گسترش ارتباط بین‌المللی در جوامع علمی و استفاده از منابع، به دانستن بیش از یک زبان توجه کنند.
۷. بهتر است محققان به ذکر منابع و مآخذ نوشتارشان توجه و دقت کافی مبذول دارند. لذا پیشنهاد می‌شود استانداردها و قوانین ذکر اطلاعات کتابشناختی را مورد مطالعه قرار دهند.

مآخذ

۱. حری، عباس (۱۳۶۲). "تحلیل استنادی و شباهت‌های آن با علم‌الحديث". *نشر دانش*. سال چهارم، شماره ۳.
 ۲. — (۱۳۷۶). "اهمیت و ضرورت به‌کارگیری منابع خارجی در تحقیقات کشور". *فصلنامه کتاب*. دوره هشتم، شماره ۴.
 ۳. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۴). "سرمقاله". *نامه فرهنگ*، سال پنجم، شماره دوم.
 ۴. فتحی‌زاده، مرتضی؛ دارابی، علی‌اصغر؛ مهدی‌زاده، احسان (۱۳۷۵). *نمایه مجلات فلسفی انگلیسی زبان*. تهران: مرکز مطبوعات.
 ۵. موکهرجی، ا.ک. (۱۳۷۵). *تاریخ و فلسفه کتابداری*. ترجمه اسداله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشار.
 ۶. هریدا، علیرضا (۱۳۷۸). *آمار و روش‌های کمی در کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: سمت.
 ۷. یثربی، یحیی (۱۳۷۱). *مقدمه‌ای بر فهم و کاربرد درست مفاهیم و اصطلاحات فلسفه*. تبریز: دانشگاه تربیت معلم تبریز.
8. Buchanan, A.L.; Heruberl. J-P.V.M. (1993). "Comparing materials used in Philosophy Political science dissertation". *Behavioral and social sciences librarian*. Vol. 12, N.2.